

«انگلستان»  
دشمن قسم خورده ی  
ملت ایران

عقیده صریح و صادقانه من این است که چون هدف اساسی ما حفظ هندوستان است، ایران را کماکان، در ضعف و بربریت نگاه داریم و هیچ سیاستی را در خارج از این دو مورد این مملکت دنبال نکنیم

**Sir Gore 1844، اکتبر 15** رییس امور هند در وزارت خارجه انگلستان،  
**Ouseley** ،

بعد از این انقلاب، ایران تنها مقامی هم پایه ی افغانستان خواهد یافت و برای همیشه رویای تمدن بزرگ و پنجمین قدرت جهان شدن را از یاد خواهد برد

**1357** آذر **17** رادیو بی بی سی ،

میان همه کشورهاییکه در سیر صد سال اخیر ، یعنی از زمان آغاز روابط ایران با کشورهای اروپائی در دوران صفویه با ایران رابطه سیاسی نزدیک داشته و کم و بیش نقشی در تاریخ قرون جدید ایران ایفاء کرده اند ، انگلستان تنها دولتی است که هیچوقت سیاستی واقعی در جهت منافع ایران نداشته و هیچ زمان خیر خواه این کشور نبوده است ، هر چند غالباً

خیر خواه کشور دیگری نیز نبوده است

در تاریخ روابط سیاسی ایران و سایر کشورها ، دوره های مختلف خوب و بد و نشیب و روسیه که در تمام دوران تزاری دندان برای بلعیدن ایران تیز کرده . فراز می توان یافت از تمام امتیازات و منافع خود و همچنین از مطالبه وامهای **1917** بود ، در دوران انقلاب فرانسه در زمان ناپلئون بناپارت همت به ایجاد ارتش منظم و مدرنی . خود صرف نظر کرد بعد از آن نیز در قرن . برای ایران گماشت و ژنرال سر شناسی بهمین منظور به ایران آمد نوزدهم و بیستم ، این کشور عمدتاً سیاست دوستانه و صمیمانه ای را در مورد ایران دنبال آلمان و ایتالیا بخصوص در سالهای پیش از جنگ جهانی دوم دوستان نزدیک ایران . کرد بودند و کشورهای کوچکتری چون ممالک اسکاتدیناوی ، اطریش ، هلند ، بلژیک و سویس از طریق مستشاران و کارشناسان خود کمکهای مؤثری به سازمان دهی رشته های آمریکا بخصوص تا جنگ جهانی . مختلف حیات اقتصادی ، اداری و آموزشی ایران کردند دوم عملاً همیشه سیاستی خیر خواهانه و دوستانه در مورد ایران داشت و کسانی چون برای ایرانیان دوستانی صمیمی بشمار می رفتند «و میلیسپو» «شوستر»

ولی در تاریخ روابط انگلستان و ایران هیچ نمونه ای از حسن نیت در میان نبوده و این کشور همواره سعی نموده است از نابسامانیها و ضعف های سیاسی و اقتصادی ایران بهره

گرفته و تا حد امکان کوشش کرده تا کشور ما را در ضعف ، عقب ماندگی ، ناامنی ، فقر و جهل ، خرافات و تفرقه های مذهبی و طبقاتی نگاهداشته و حتی یکبار نیز بر آن شد تا ایران را به منطقه نفوذ روس و انگلیس تقسیم نماید

در همه ی این مدت تنها یکبار سیاست انگلستان ، آنهم در اجرای یک سیاست کلی و جهانی ، در جهت کمک به ایجاد یک دولت نیرومند مرکزی در ایران در نخستین سالهای حکومت رضاشاه گام برداشت ، ولی با اولین کوشش های رضاشاه در پیروی از یک سیاست ناسیونالیستی که خواه ناخواه مستلزم اصطکاک با منافع انگلستان بود ، این سیاست در جهت دشمنی با رضاشاه تغییر جهت داد و سر انجام نیز به سقوط و تبعید وی و مرگ او در دیار غربت انجامید

سیاست انگلستان در مورد دومین شاه خاندان پهلوی نیز بهتر از این نبود ، این سیاست در آغاز کار اصولاً خواستار استقرار محمد رضاشاه در تخت سلطنت نبود و اگر در روزهای ، کاردانی و وطن پرستی سیاستمدارانی چون محمد علی فروغی **1320** بحرانی شهریور روی داد در همان هنگام اتفاق افتاده بود **57** مشکل گشا نشده بود ، آنچه در سال در دوران جنگ جهانی دوم ، انگلستان دوباره طرح قدیمی خود را در تقسیم ایران به مناطق نفوذ انگلستان و شوروی از سر گرفت و سپس در نخستین سالهای جنگ به اجرای پرداخت و پس از ملی شدن «تفرقه انداز و حکومت کن» سیاست دیرینه خود یعنی صنعت نفت در دوران نخست وزیری دکتر محمد مصدق ، این سیاست آشکارا صورتی خصمانه بخود گرفت

انگلستان هیچوقت گناه ایرانیان را در تشکیل کنسرسیوم نفت و تقلیل سهم انگلستان را از نبخشید و این خصومت هنگامیکه نفوذ سنتی بریتانیا **40%** به **100%** نفت ایران از هنگامیکه با . در ایران جای خود را به نفوذ نو خاسته آمریکا داد ، به اوج خود رسید

شاه سیاست پر کردن خلاء انگلستان را در مناطق «شرق عدن» خروج انگلستان از نفوذ سنتی این کشور در خلیج فارس در پیش گرفت و اعلام کرد که اجازه نخواهد داد کشوری که از در خارج شده است دوباره از پنجره باز گردد ، طراحان سیاست انگلیس دیگر نیازی به خشمگین شدن بیشتر نداشتند ، زیرا مدتی بود که تصمیم نهایی خود را همراه با کارگردانان امپراطوری نفت در پایان دادن به بلند پروازی های شاه گرفته بودند

نوشت نقش «رسالت برای وطنم» بنام **1340** کتابی که محمدرضا شاه پهلوی در از دیدگاه کسی که خود مستقیماً **1340** تا **1320** واقعی انگلستان را در ایران سالهای شاه ایران . در مقام شخص اول مملکت در کوران وقایع بوده است بخوبی روشن میکند

را نیز در کتاب دیگرش **1357** تا **1340** نقش سالهای بعد این دولت ، یعنی دوران ومصاحبه بسیار مفصل او با یک نویسنده و روزنامه نگار هندی «پاسخ به تاریخ» بنام بنام

**< R. J. Karanjia >**

مجموع آنچه در این دو کتاب و در این مصاحبه آمده است ، بوضوح بازگو نموده است می تواند در یک جمله کوتاه خلاصه شود که

انگلیسی ها ایرانی نیرومند نمی خواستند ، حالا هم نمی خواهند و : یک چیز مسلم است «

«! بعد از این نیز نخواهند خواست

سال پیش از این ، در همان هنگامیکه انگلستان جنگ جهانی اول را پشت سر **80** تقریباً ما برای دفاع از «گذاشته بود و با اتکاء به قولهای موکد زمان جنگ این کشور که در کشور کوچک و آفت زده و عقب «! آرمانهای آزادی و حقوق حقه بشری میجنگیم احزاب و روزنامه هایی بمنظور مطالبه حداقل همین حقوق حقه «ایران» افتاده ای بنام در لندن «دیلی هرالده» برای ملت ایران علم می شدند ، روزنامه سر شناس و معتبر نوشت

است و (جنگ جهانی اول) وضع ایران با کمی تفاوت همان وضع مصر پیش از جنگ « این یک امر عادی . ما باید در آنجا دقیقاً آنطور که منافع ما را بهتر تأمین کند عمل کنیم است که در مشرق زمین همیشه مسایلی پیش می آیند که قابل پیش بینی نیستند ، بدین ما . جهت در ایران نیز مانند مصر تا موقعی که فساد وجود دارد می توان خوب عمل کرد ملت مصر را زمانی که خواست به اصلاحات اجتماعی ، دمکراسی و ناسیونالیسم علاقه امروز نیز می . نشان دهد ، به زمین کوبیدیم و تاب و توان ملی گرایی را از آن گرفتیم بایستی برای پیشبرد برنامه هایمان در ایران همه آن نیروهایی را که با تجدد طلبی مخالفند مورد تأیید قرار دهیم

عیناً با نظر فرمانده وقت نیروهای انگلستان در ایران مطابقت «دیلی هرالده» نظر فرماندهی **1921** فوریه سال **27** اکتبر تا **14** که از «آیرن ساید» داشت ، ژنرال نیروهای اشغال گر بریتانیا در ایران را بر عهده داشت در خاطرات خود درباره آرزوهای دور و دراز نسل جوان ایران نوشت

بعضی از این فرنگ رفته ها تصور می کنند می شود ایران را مثل اروپا با دمکراسی اداره . در صد بیسواد ، دمکراسی معنای ندارد **99** اینها نمی دانند که در کشورشان با . کرد آنها باید تلاش کنند که چهار چوب سنتی مواضع قدرت در جامعه ایرانی که چهار رکن آنرا روحانیون ، ملاکین ، تجار بزرگ و اشراف تشکیل می دهند ، حفظ شود و اظهار نظر یک مقام بلند پایه بریتانیا در سی سال بعد از آن نشان داد که در همه ی این در «ریچارد توکس» مدت هیچ تغییری در این ارزیابی روی نداده است ، کما اینکه به حسین علاء گفت **1951** مذاکره ای در سال

ایرانیها همه فاسدند و نمی توانند نه شرکتی اداره کنند و نه حکومتشان را « شاید بر اساس همین منطق بود که دوستان خیر اندیش بریتانیایی صلاح دیدند بجای در . اینهاییکه نمی توانستند حکومتشان را اداره نمایند ، اینکار را خودشان انجام دهند این باره تا کنون صدها سند از اسناد محرمانه وزارت امور خارجه انگلستان پس از طی دوران ممنوعیت قانونی در دسترس عمومی قرار گرفته و ده ها کتاب و صدها نوشته تحقیقی نیز در داخل و خارج ایران منتشر یافته است

نماینده شرکت نفت انگلیس و «سدن» بيمورد نیست در اینجا متن سندی را که در خانه این سند که از جانب . در تهران بدست آمده است ، نقل شود **1330** ایران در سال نخست وزیر وقت دکتر محمد مصدق در مجلس شورای ملی ایران خوانده شد ، گواه بر این

دولت فخریه زحمت تصمیم گیری را از دوش نخست !! است که چگونه سفیران خیراندیش وزیر ایران برداشته بودند

از بابت تصدی پست وزارت امور خارجه بنظر می رسد اگر «رییس الوزرای عزیز» اعتلاءالملک باین مقام منصوب شود ، ما فهیم الدوله را که صاحب منصب وظیفه شناسی آیا بهتر نیست این . است از دست خواهیم داد و از دست رفتن او ضایعه ای خواهد بود پست فعلاً بلاشاغل بماند و فهیم الدوله تا تعیین وزیر به کفالت آن ارتقاء یابد ؟ البته اگر اگر حضرت اشرف -- محتشم السلطنه این پست را می پذیرفت این خود راه حل خوبی بود صلاح بدانند که باو یکی از وزارت خانه ها را بسپارند ، من مخالفتی ندارم اندکی بعد دکتر مصدق در مصاحبه ای با گروهی از خبرنگاران آمریکایی با اشاره به یکی بدست آمده بود گفت «سدان» دیگر از اسنادی که در خانه

سفیر وقت انگلیس در «مستر نورمان» ما اکنون سندی در دست داریم که طی آن « تهران به سردار منصور رییس الوزراء وقت نوشته است ودر آن چهارصد هزار تومان از طرف 1919 رشوه ای که برای تصویب و اجرای قرارداد تحت الحمایه ایران در سال دولت انگلیس به وثوق الدوله و دو وزیر دیگر کابینه او داده شده بود ، مطالبه شود متن این سند چنین است «رییس الوزرا عزیزم»

رونوشت نامه ای را که صارم الدوله به وزیر مختار قبلی بریتانیای کبیر راجع به چهارصد نظر به . هزار تومان نوشته شده بود ، همانطوریکه وعده داده بودم خدمتتان فرستادم مسایل مهم تری که فعلاً کشور را متشنج نموده است نمی توان انتظار داشت که این باوجود این احوال فعلاً بخود اجازه می دهم . موضوع لااقل موقتاً در بوته فراموشی بماند که خاطر اشرف را به این نکته معطوف سازم که مقتضی نیست فعلاً در یاب هیچکدام اقدام اگر فعلاً این مسئله مسکوت بماند شاید ممکن باشد بوسیله سه نفری که - علنی بمیان آید تلگرام من بی شک بدست وثوق الدوله خواهد . دراین باب ذینفع هستند راه حلی یافت رسید ، نصرت الدوله هم بزودی به تهران خواه آمد و دسترسی به صارم الدوله نیز آسان است

هنگام بر گزاری کنفرانس صلح ورسای در سال بعد از پایان جنگ دوم جهانی ، ایران خواستار آن شد که با توجه به سهم مؤثری که در کمک به پیروزی متفقین ایفا کرده و زیانهایی که از بابت اشغال قسمتی از خاک خود توسط امپراطوری عثمانی متحمل شده است در این کنفرانس شرکت جوید ، ولی انگلستان تمام نفوذ خود را بکار برد تا راه را بر حضور ایران در این کنفرانس ببندد و با استفاده از این فرصت قرارداد تحت الحمایگی را که با ایران امضاء کرده بود به مرحله اجرا درآورد

اعمال نفوذ انگلستان ، از کمک آمریکا به ایران در سر و سامان دادن به وضع اداری و اقتصادی فلاکت بارش که مورد تقاضای ایران بود نیز جلوگیری کرد و دولت آمریکا در این میان آشکارا جانب انگلستان را گرفت

، به دلایل سیاسی روشنی که قبلاً ذکر گردید ، سیاست 1299 در کودتای سوم اسفند انگلستان انجام این کودتا را بمنظور روی کار آمدن یک دولت قوی در جوار اتحاد شوروی

سفیر بریتانیای کبیر در ایران در زمان جنگ «سر ریدر بولارد» تسهیل کرد ، ولی بعداً انگلیسی مؤکداً نوشت **!!دوم جهانی با صداقت کامل یک جنتمن** نداشتند و **1921** لازم به تذکر نیست که اصولاً انگلیسی ها هیچ مداخله ای در کودتای « حتی وقوع این کودتا برای دولت انگلستان و سفارت این کشور در تهران مایه حیرت بود نخست وزیر همین بریتانیای کبیر بی آنکه قول مؤکد «ایدن» با اینهمه ، مدتی بعد آقای سفیر انگلیس در تهران را بخاطر داشته باشد اظهار کرد رضاشاه را ما آوردیم و خودما نیز باعث سقوط او شدیم ، زیرا سیاستی که او در پیش « گرفته بود با منافع ما تطبیق نمی کرد

سیاست انگلستان در توطئه برای نقض حاکمیت ایران و کوشش در تقسیم این کشور به دو منطقه نفوذ در شمال و جنوب و یا تجزیه آن به اجزاء مختلف ، سیاستی است که لااقل از این کشور با روسیه **1907** سال پیش یعنی از هنگام عقد قرارداد سال **85** پیش از در این باره تا کنون بررسیهای فراوانی توسط مورخان ایرانی و تزاری ادامه داشته است بین المللی صورت گرفته است ، ولی مسلماً قسمتی از گویاترین آنها را می توان در دو و مصاحبه های متعدد محمد رضاشاه «و پاسخ به تاریخ «مأموریت برای وطنم» کتاب روزنامه نگار هندی یافت ، زیرا «کارانجیا» پهلوی ، بخصوص مصاحبه بسیار مفصل با محمدرضا شاه شخصاً در بخشی از حوادث که در دوران سلطنت خود او گذشته ، مستقیماً شاه در مصاحبه با این خبرنگار هندی اظهار میدارد . شریک و ناظر بوده است در . اندیشه تجزیه ایران به مناطق نفوذ ، پس از جنگ جهانی دوم از سر گرفته شد « وزیر امور خارجه بریتانیا و وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا در **1945** سال کنفرانس مسکو به روسها پیشنهاد کردند که آذربایجان ، کردستان و خوزستان به ایالات استالین ابتداء این پیشنهاد را پذیرفت ، ولی بعداً با نظر . خود مختار تبدیل شوند پیشنهادی آمریکای و انگلیس مخالفت کرد ، زیرا بنا به عقیده مولوٹف ، شوروی با اندکی انتظار می توانست سراسر ایران را تحت نفوذ خود در آورد در قسمتی دیگر از این مصاحبه شاه میگوید

انگلستان هیچ کاری برای واداشتن ارتش سرخ شوروی به تخلیه ایران و احترام به « ، **1946** بر عکس در کنفرانس سه جانبه مسکو در سال . تعهداتی که پذیرفته بود نکرد وزیر «بوین» . به اتفاق آمریکا طرح سّری تقسیم ایران را تقدیم شوروی ها نمود پیشنهاد کرده بود که دولت ایران زیر فشار قرار گیرد «مولوٹف» امور خارجه انگلیس به تا اختیارات شوراهای ایالتی را افزایش دهد و هدف این بود که عملاً هراستان ایران در عین اینکه بخشی از کشور است ، استانی خود مختار شود

این بود که دو دسته ایالت خود مختار در شمال زیر سیطره شوروی و در «بوین» فکر . جنوب تحت سلطه انگلستان تشکیل شود و تهران را هم در این میان بحال خود بگذارند اگر این طرح اجرا نشد باین دلیل بود که استالین آنرا نپذیرفت ، زیرا وی عقیده داشت که آمریکاییها و انگلیس ها . در آینده ای نه چندان دور ، ایران بدست شوروی خواهد افتاد

هر دو قصد داشتند امتیازاتی در شمال به شوروی ها بدهند تا مانع دست اندازی آنها به منطقه نفوذ خود در خطه نفت خیز جنوب گردند